

باتعمیق انقلاب و ایجاد آرامش میتوان و باید توطئه‌های امریکا را عقیم کرد

اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

در راه پیمایی سالگرد جمهوری اسلامی ایران زیر شعار وحدت ضد امپریالیستی شرکت کنیم

روز ۱۳ فروردین ۱۳۶۰ دوسال از تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمرهٔ انقلاب خدایمان را می‌گذرد. در این روز مردم ایران و همهٔ نیروهای انقلابی، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلک و مذهبی، سالگرد تشکیل جمهوری اسلامی ایران را، زیر شعار وحدت در برابر دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جشن می‌گیرند.

حزب توده ایران که به پیروی از مبانی اصولی و انقلابی خود فعالانه در فراتر بردن برای تأیید جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و طی دوسال گذشته دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را وظیفهٔ مقدس خود اعلام نمود و در این راه، همراه با خلق انقلابی، از فدائیان تا حدیث‌الارکان گروهی از بهترین فرزندان خود، دریغ نوزدید، از همهٔ انضاف و هواداران و دوستان حزب دعوت می‌کند که با شرکت وسیع و فعال خود در راه پیمایی روز ۱۳ فروردین ۱۳۶۰، یاد دیگران را زنده نگه دارند و برای وحدت در برابر دشمنان داخلی و خارجی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تجدید کنند.

حزب توده ایران از همهٔ انضاف و هواداران و دوستان حزب می‌طلبد که در این راه پیمایی هیچ‌گونه پلایاکارد و شعار یا خود حمل نکنند و با رعایت کامل نظم و آرامش، به اندازهٔ کنندگان راه پیمایی برای عقیم‌ساختن توطئه‌های اختلال‌گرا، یاری رسانند.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۱۳۶۰۰۱۸

در روز ۶ فروردین:

یکی از ارتفاعات جبهه‌های غرب به تصرف رزمندگان انقلاب درآمد

رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در ادامهٔ نبرد پیاپی در جبههٔ غربی، صدامی ضربات دیگری بر آنان وارد آوردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیهٔ مورخ ۶ فروردین ماه خود، گوشه‌ای از نتایج این نبردها را اعلام کرده است. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است که رزمندگان انقلاب با اجرای آتش بر مواضع دشمن در جبههٔ آبادان، یک انبار مهمات و یک تانک بنزین آنان را به آتش کشیدند و ۱۷ تن از متجاوزان را به هلاکت رسانیدند و همچنین در منطقهٔ اهواز، رزمندگان انقلاب ۲ سنگر گروهی متجاوزین را منهدم کردند. در نتیجهٔ این عملیات ۶ تن از متجاوزین کشته و ۵ نفر زخمی شدند. در مقابل این ضربات، دشمن شهرآبادان را زیر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز قرار داد، که در نتیجه

آزوده است. بلافاصله بعد از انقلاب، آمریکا کوشید، بکمک سرمایه‌داری لیبیال، انقلاب ایران را مسخ کند و از پنجرهٔ باز کرده، با سقوط دولت موقت، این نقشه را شکست دور برود. با ایجاد کانون جنگ در کرمان و با ایجاد درگیری‌های خونین، از جمله در تبریز، بوسلیه «خلق مسلمانان»، آمریکا کوشید که آتش جنگ داخلی برافروشد. این نقشه با عدم موفقیت روبرو شد. پس ماجراجویی نظامی (پلیس) متوسل شد، ولی موفق نشد. کودتای نظامی (نوزدهم) از سازمان داد. این نقشه نیز بربود کشف و خنثی شد. بوسلیهٔ دارو دستهٔ صدام جانی به ایران حمله کرد، تا ظرف کمتر از یک هفته، جمهوری اسلامی ایران را دردم شکند و ایالات متحده را از بقیه در صفحه ۲

اینکه آمریکا تصمیم دارد که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را درهم بشکند و منافع حیاتی خود را بازیگری، امری است برای همگان معلوم. ولی اینکه شیوهٔ عمل آمریکا برای رسیدن به این مقصود کدامند، هنوز گویا برای همگان، چنانکه شاید و باید روشن نیست و نیاز به توضیح بیشتری دارد.

آمریکا برای درهم‌شکستن انقلاب ایران، بطور کلی بر روی دو «خط» حرکت میکند: یکی «خط مسخ انقلاب»، یعنی تغییر حسهٔ فساد امپریالیستی و مردمی آن، از راه بروی کارآوردن دولتی که آمادهٔ سازش با آمریکا باشد، بنام دولتی «معتدل و میانه‌رو»، که خود پلی و مرحلهٔ گذاری خواهد بود، برای استقرار مجدد رژیم از نوع «آر.آی.ام.» برای استقرار مجدد سلطهٔ کامل و خشن و خونین.

افتخار توده‌ای‌ها

حزب توده ایران، آماج هجوم از چوایب گوناگون است. امپریالیسم، سرکرد همگام، نگاه دشمنان داخلی انقلاب، سرمایه‌داران لیبیال و زمین‌داران بزرگ همراه آنان، در نیمه‌راه مانده‌ها، همهٔ با حزب تودهٔ ایران می‌تازند که گویا در همه‌جا درخشان کرده، ایدئولوژی خود را «الته» نموده و روح «شیطانی» خود را در کالبد جمعی از مسلمانان دیده است و گویا در راه سرکشت انقلاب و آینده آن دو موضع، دو پیشش و دو خط وجود ندارد.

از سوی دیگر، برخی از مسلمانان راستین بی‌روخت امام خمینی که از مواضع انقلابی خود در برابر سازشکاران و تسلیم‌طلبان دفاع میکنند، به محض آنکه چنانچه درخشان توده‌ها و دشمنان «انقلاب ایدئولوژی» بلند میشود، برای تیره خود قلم و زبان خویش را در راه دشنام به حزب توده ایران بکار نمی‌اندازند، تا سخیال خود-به‌خود خویش واقع‌انجام و ایجاب کنند. این گروه از مسلمانان انقلابی متأسفانه فاقد جسارت انقلابی و شهادت‌مدنی لازم هستند، تا از علل تشابه مواضع سیاسی خود با توده‌ها پی برده دفاع کنند، بی‌آنکه کلوخی و بار سنگینی بسوی توده‌ها پرتاب نمایند.

تشابه مواضع سیاسی حزب توده ایران با مواضع مسلمانان راستین بی‌روخت امام خمینی از کجا ناشی است و چه چیز موجب این همراهی شده است؟ انقلاب ایران انقلابی ضد امپریالیستی و مردمی است. باین معنا که بزرگترین دشمن این انقلاب، امپریالیسم، سرکردگی امریکا است، که در هم کوبیدن آن باید شمارم‌کری مبارزات خلق قرار گیرد. همانطور که امام خمینی گفته‌اند: «تمام قلمها و سلاحهای خود را بسوی امریکا نشانه روید».

حزب توده ایران که از آغاز، عمده‌ترین شمار خود را مبارزه علیه امپریالیسم، سرکردگی امریکا قرار داده و نخستین سازمان سیاسی است که حتی در سالهای نخستین، خط امریکایی چپ‌انگوار را برای استقلال ایران گوشزد نموده و از آن زمان تاکنون، بر لحظه‌ای وقفه برای براندازی نفوذ این چپ‌انگوار قرن تیار کرده و تحمل مصائب بسیار نموده است، طبیعی است که با هدف ضد امپریالیستی انقلاب، از منصف‌طلبی و توافق باشد. ویژگی‌بران و صادقانه در این راه بکوشد، به تبع این موضعگیری اساسی است که حزب توده ایران، هر خطی را که بخواند توجه مردم را از دشمن اصلی منحرف سازد، افشا کرده و از چیره آنان که جهت ضد امپریالیستی انقلاب را قبول ندارند و برای تضعیف مبارزات این جبهه به‌حربهٔ اتهام علیه ضد امپریالیست‌های غیر توده‌ای متوسل میشوند، پرده بر گرفته است.

ما افتخار میکنیم که از زمرهٔ نخستین مبارزان ضد امپریالیست بوده‌ایم و در این سنگر، از استقلال کشور خود با پیگیری و سرسختی و بدون انعطاف و

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم، سال سوم، شمارهٔ ۴۷۴
یکشنبه ۶ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۱ - ۱۵۰۱ دیال

در صفحات بعد

سپاه واکنش سریع نیروی ضربتی امپریالیسم آمریکا بر ضد استقلال، آزادی و امنیت خلق‌ها

باید از خروج بی‌رویهٔ ارتش تحسیمی جدا جلوگیری کرد

نمایندگان گیمهای باتکهای کشورهای امپریالیستی در ایران چه میکنند؟

بلغارستان سوسیالیستی با گامهای استوار به پیش می‌رود

دربارهٔ دوران بسیار دشوار انتقال

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

انتقاد داریم تا انتقاد

هائتور که مذاکره داریم تا مذاکره (مذاکره داریم پسوند انقلاب و مذاکره داریم پزیران انقلاب)، هائتور که سازش داریم تا سازش (سازش اصولی داریم و سازش تسلیم طلبانه، سازش بسود انقلاب داریم و سازش پزیران انقلاب)، هائتور که جنگ داریم تا جنگ (جنگ ستاندلانه داریم و جنگ ظالمانه جنگ تلافی داریم و جنگ تجاوزی، جنگ رهائی بخش داریم و جنگ اسارت بخش) هائتور هم انتقاد داریم تا انتقاد، انتقادی داریم مغرب و انقلابی، و انتقادی انتقاد اگر نه فقط بصورت بیان کیبودها، مشکلات و معایب بکار رود، بلکه ریشه و علل پیدایش ناراستیها و نیز رافع آنها را نشان دهد، انتقاد سازنده است. چنین انتقادی نه تنها مفید، بلکه لازم است. این انتقاد، همرا با انتقاد پذیری وسیله اصلاح و پیشرفت است. تکامل در هر نظام اجتماعی، در هر جامعه انسانی، در هر صفت زندگی، در هر سازمان و نهاد و حزب و انجمن و جمعیت و نیز هر فرد در هر مقام است. آنچه که انتقاد سازنده و انتقاد پذیری نباشد، آنجا که از انتقاد سازنده جلوگیری شود و انتقاد پذیری عیب و عار باشد، زمینه رکود، یوسیدگی و انحطاط فراهم میشود. در جامعه محرم از انتقاد سازنده زمینه برای نشو و نما، استفاده و بروز و شکوفایی ابتکارهای خلاق و ترقی بخش نیست. در آن اندیشهها می خشکند، اراده ها سست میشود، انفعال و بی تفاوتی حاکم بر جانها میشود. انتقاد سازنده چیزی ارزنده و ضروری از آزادیهای اجتماعی است، که بدون آنها، جامعه راگد و برهق میشود، بنیه پویایی و بالندگی خود را از دست میدهد، در راه انحطاط و زوال به تقرب میرود.

اما هائتور، انتقادی اصلاحی سازنده نیست. انتقادی نین داریم مغرب، انتقادی که بر روی تقاضی و معایب انگشت خاکید میگذارد، آنها را بزرگتر از آنچه هستند، جلوه میدهد، ولی به سبب پیدایش رنه راه رفع آنها را نشان میدهد. این انتقادی است که هر مشکلی را برین تسلط داد میکند، هر نفسی را بیامیزی در میان ناپذیری میداند، و بدین وسیله تخم یاس میپاشد، ارادهها را سست میکند، ابتکارها را می خشکاند، اینگونه انتقاد برادر خوانده استبداد است و مانند استبداد بنیه رشد و تکامل جامعه را ضعیف میکند، از نیروی ابتکار و سازندگی جامعه میکاهد، جامعه را به سوی رکود و انحطاط سوق میدهد. اینگونه انتقاد تخریبی و ضد انقلابی است.

انتقاد سازنده و انقلابی، برخلاف انتقاد مغرب و ضد انقلابی، شرایط زمانی و مکانی طرح هر کیبود و مشکلی را در نظر نمیگیرد، آفر ریشه یابی میکند

و راه علاج آفر پیشنهاد میکند. هدفش برطرف کردن کیبود و عیب و نقص، بسج نیرو برای رفع مشکل است و نه مشکلی بر مشکلات افزودن.

کشور ما در شرایط دشوار گذار انقلابی پس میرود، ما، بکته امام خمینی، وارث یک کشور فزانه زده ایم، که رژیم سفاک، استعمار پذیر، دست نشانده غارتگر، فاسد و فساد پرور پهلوی بجای گذارده است. فزون بر این، ما در معرض انواع توطئه های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا، هستیم، که تمام امکانات خود را بکار گرفته، تا انقلاب استقلال طلبانه و مردمی ما را دچار شکست کند و ایران - این بهشت گمشده خود را - بازستاند و در آن مجددا حکومت دست نشانده خون آشام بکارمد و دوباره در آن سفره غارتگری برحدو مرز خود را بگستراند. ما اکنون درگیر یک جنگ تحمیلی از سوی داور دلتنهادم، تبهکار و تخریب آمیز میکیا چنایکتار هستیم، که خود دشواریهای بزرگی بر دشواریهای بزرگ بازمانده از دوران طاغوت و دشواریهای طبیعی دوران گذار، افزودند است. ما هنوز در داخل کشور با مقاومت سرسخت ضد انقلاب سازمان یافته، بزرگ سرمایه داران وابسته و بزرگ زمینداران و محکرمین و قاچاقچیان زوربر هستیم. هنوز سرمایه داری لیبرال ایران امیدوار است بتواند دوباره دولت را تصرف کند، از تمیق انقلاب جلوگیری کند، راه مسخ کند، راه سازش تسلیم طلبانه را، امپریالیسم هموار سازد، آمریکا را مجددا از پنجره بایران بازگرداند. خلاصه هنوز کوهی از مشکلات در برابر انقلاب قرار گرفته است، که باید با خونسردی، ولی با قاطعیت انقلابی، بر آنها غلبه کرد، و یکی یکی، برتریب انهم و فی الاهم، آنها را برطرف نمود. انتقاد مفید و ضروری است، بشرط اینکه چنین هدفی را تعقیب کند، انتقادی رهنا و سازنده باشد.

بنوان مثال مشکل گرانی را مطرح کنیم. گرانی هست. این واقعیت است. گرانی در دوران بعد از انقلاب قزونی یافته. اینهم واقعیت است. این گرانی رشد یافته، موضوع انتقاد است و باید باشد. انتقاد از گرانی میتواند انتقاد سازنده و انقلابی باشد و نیز میتواند انتقاد مغرب و ضد انقلابی باشد. اگر با نشان دادن واقعیت گرانی، علل وجود و رشد آن بیان نشود، پیشنهاد رفع گرانی از طریق کندن ریشه آن ارائه نگردد و با پنهان کردن علل واقعی گرانی، مسئله چنین مطرح گردد که، وضع بدتر از دوران طاغوت شده، یعنی انقلاب ثمری مگروس بهیاز آورد

این انتقاد تخریبی و ضد انقلابی است. ضد انقلاب هم اکنون از گرانی انتقادی تخریبی و ضد انقلابی میکند. نیروهای با نفوذ بالقوه ضد انقلابی - سرمایه داری وابسته تجاری - که خود باعث گرانی و رشد آنست، خود از آن، با انتقاد تخریبی، استفاده تبلیغاتی علیه انقلاب میکنند. اما انتقاد سازنده میگوید: گرانی هست، این گرانی رشد مییابد، باید از آن جلو گرفته سبب گرانی و رشد آن، بقاء سرمایه داری وابسته تجاری، شبکه دلان، واسطه ها، محکرمین و قاچاقچیان است. این گرانی حاصل انقلاب نیست. برای مبارزه کردن گرانی و عقب راندن آن و ایجاد ارزانی، باید بازرگانی خارجی در انحصار دولت درآید و بانسجکلیت شبکه های از فروش کالای دولتی و تعاونی، توزیع کالا چنانچه انجام گیرد که دست واسطه ها، لالاه، قاچاقچیان قطع گردد. به عبارت دیگر، انتقاد سازنده و انقلابی از گرانی، همرا با ارائه علل واقعی گرانی، طرق پسرکدن ریشه آن، پیشنهاد برطرف کردن آنست.

با انتقادات سازنده و انقلابی و با پذیرش انتقادات سازنده و انقلابی، انقلاب دشواریهای کنونی را برطرف خواهد کرد، دوران گذار را پیروزمندانه طی خواهد کرد و کشور ما کام در راه رشد خواهد گذارد. ولی در مراحل رشد نیز انقلاب با دشواریها روبرو خواهد بود، که حتی میتوانند ناشی از مراحل رشد باشند. رشد و تکامل همیشه همرا با دشواریهایی است که پیش می آید. حتی در نظامهای اجتماعی که ریشه استبداد گشده، حتی در کشورهای سوسیالیستی، دشواریها و ناراستیهای درجریان تکامل بروز میکنند، که رفع میشوند و یکی از مسائل روند رفیع آنها، انتقاد سازنده و انتقاد پذیری است، که همواره تشویق میشود.

اکنون در کشور ما، یکی از عرصه های نبرد، که ظاهر و گاه واقعا نبرد بین عنصر اجتماعی آگاه و بنمصر اجتماعی نا آگاه و در آخرین تحلیل، نبرد بین انقلاب و ضد انقلاب است، عرصه نبرد بین انتقاد اصلاحی، سازنده، دلسوزانه و انقلابی، و هوچیگری، انتقاد مغرب و ضد انقلابی است. این عرصه نبرد دشواری است که باید در آن پیروز شد. باید بتدریج فرق اساسی و ماهوی موجود بین انتقاد سازنده با انتقاد مغرب را به توده های مردم نشان داد و همگان را تشویق به انتقاد سازنده و انتقاد پذیری کرد و همگان را برای خنثی کردن انتقادات مغرب و ضد انقلابی، خنثی کردن تبلیغات امپریالیستی خنثی کرد وسیع نمود.

«سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان» («یونی فیل») را بشناسیم

«سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان» (یونی فیل)، پس از آغاز تهاجمات نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان، برای به قتلنامه شماره ۴۸۵ «شورای امنیت سازمان ملل متحد»، تشکیل شد.

وظایف این سپاه عبارت بوده است از نظارت بر عقب نشینی کامل تجاوزگران اسرائیلی از خاک لبنان، پشتیبانی از برقراری حاکمیت قانونی دولت لبنان بر جنوب این کشور و تأمین صلح و امنیت در منطقه های مرزی. این سپاه اکنون ۶۰۰۰ نفر و سرباز را از کشورهای فیلیپین، فرانسه، غنا، ایرلند، ایتالیا، نال، هلند، نیجریه، نروژ، سنگال و سوئد دربر میگیرد.

«سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان»، که تنها به سلاحهای سبک دفاعی مجهز است، از آغاز کار خود با شرایط دشوار دست و پیکریان بوده است. فرمانروایان تل آویو درخواست عقب نشینی نیروهای اشغالگر اسرائیلی را از طرف دشواری امنیت سازمان ملل متحد، با استقرار رژیم سربرد، جدایی طلبان، پسر کردگی سهد حذانه، در منطقه های مرزی پاسخ گفتند و از ابتراه ادامه حضور نظامی و نظارت خود را در این بخش لبنان تأمین کردند. نیروهای اسرائیلی، بیاری میلیس های راستگرا تهاجمات تروریستی خود را در جنوب لبنان ادامه میدهند و چه بسا که در نیروهای مسلح بین المللی نیز مانی برای دست یازی به این جنایات نمی بینند.

افتخار توده های ما...

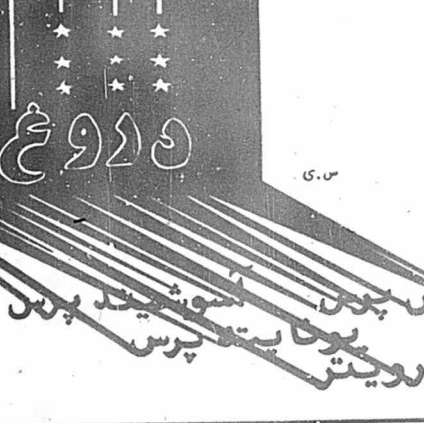
پیکه از صفحه ۱

بخوانند بود. اینکه ضد انقلاب، عمال سرمایه داری لیبرال و مائوئیستهای آمریکایی هرکس را که پیکیرانه بر ضد امپریالیسم، پسر کردگی آمریکا پیکار میکند، پیکیرانه خواهان تمیق انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است، پیکیرانه با سبکیرانه با ضد انقلاب، عمال بورژوازی لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی، مبارزه میکند، توده ای میخوانند، تا بدین وسیله به ازار و شانتاژ دست یازند و ازسوی دیگر نشانه آنست که توده های ما به آرمان خود، به خلق خود، به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران وفادارند. ما به این وفاداری خود مفتخریم و درآینده نیز وفاداری خود را در عمل ثابت خواهیم کرد.

اما این سفسطه بزرگ که هرکس پسرشد امپریالیسم و بر ضد امپریالیسم مبارزه کرد، هرکس که در برابر ضد انقلاب، ایادی آشکار و پنهان بورژوازی لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی ایستاد، هرکس که برای کارگر کار و برای موقان زمین خراست، هرکس که خواهان درهم کوبیدن موانع سرمایه داران بزرگ غارتگر و فئودالهای مستکرم بود، هرکس که عدالت اجتماعی را طلب کرد و در آن راه کوشید و خلاصه هرکس که برای تنیبت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد

پشتیبانی معارف اجتماعی صلح جهان از ابتکارات صلح اتحاد شوروی

در گردهای که در اسلوواخت نروژ برگزار گردید، ضمن بررسی پیشنهادهای جدید دولت اتحاد شوروی درباره تمیق روند تنیبت زدالی و مہبار کردن سابقه تسلیم جاتی، که در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید، موافقت خود را با پیشنهاد مربوط به محدود کردن تسلیحات هسته ای



فرانس بجز این روش نیست پس رویتر

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

قراز از شیراز ۱۰۰۰ ریال
فرهود شیراز ۱۰۰۰ ریال
دوستی از تبریز کرد (تکفروضی) ۵۰۰ ریال
در شیراز
سعد بی هوشی از سیستان
به حزب پدش ۲۰۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانک به نام تقی کی منش و همسرش ۳۳۳۲ شعبه ۴۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

در اروپا اعلام داشتند. ولگر تیگمن رهبر حزب کارگری نروژ، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در این باره گفت: شرکت کنندگان در گردهم آیی اسلو معتقدند که پیشنهادهای صلح جوینانه اتحاد شوروی پیشنهادهای واقع بینانه و جالبی هستند که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

سپاه واکنش سریع نیروی ضربتی امپریالیسم آمریکا برضد استقلال، آزادی و امنیت خلقها



تاور هواپیما بر کتی هانوک، بسوی سواحل خلیج فارس در حرکت است.

به سرعت ادامه می‌یابد. زنیار کلی در تاریخ دهم می‌رمانه ۱۳۵۹، در سخنرانی در برابر «کمیسون بودجه مجلس نمایندگان» مصرخوایان شد که برنامه‌های برای بیکری فزاینده در تکمیل «سپاه واکنش سریع» تدوین کرد. بیکته کلی هرچند «سپاه واکنش سریع» نیست و می‌تواند هرآن کارخودرا بکند، با این همه تعداد کافی هواپیمای باربری در اختیار ندارد و پایگاه نیروی هوایی «مک‌دیل» (کولورادو) دهشتناک با کمبود «روبرو» است.

محافل مجتمع نظامی- صنعتی، که کلی نماینده آنهاست، در دروان اخیر در ایالات متحده آمریکا به بیوروی‌های جدید دست یافته‌اند. در سال‌های آینده، بودجه هنگفتی به برنامه تسلیحاتی، از جمله درجهت تقویت «سپاه واکنش سریع»، تخصیص داده خواهد شد.

طرح بودجه «پنتاگون» برای سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۲ اقلام زیر را در برمی‌گیرد:

- ۱۲ میلیارد دلار برای هواپیما - های باربری جدید میان قاره‌ای «سی. اکت» و استقرار کشتی‌های جنگی؛ ۵۰۰ میلیون دلار کشتی‌های لحسنکی سریع‌السیر «اس. ال. ۱۷» که می‌توانند در عرض چهار روز اقیانوس اطلس را بی‌می‌پایند؛
- ۱ میلیارد دلار برای بهبود «دیگوارسیا» و حداقل ۷۰۰ میلیون دلار برای توسعه دیگر پایگاه‌ها؛
- ۱ میلیارد دلار برای هزینه‌های تکمیل «سپاه واکنش سریع»؛
- ۱-۲ میلیارد دلار برای پشتیبانی از حضور ناوگان‌های ایالات متحده در اقیانوس هند و ۵۰ میلیون دلار برای مانورهای ویژه این نیروها.

هزینه نقشه‌هایی که «پنتاگون» برای «سپاه واکنش سریع» کشیده است فوق‌العاده متعین است. برای نمونه، در پنج سال آینده تسهیل منطقه خلیج فارس، که مرکز نقل و حرکت نیروها را تشکیل می‌دهد، ۳۰ میلیارد دلار بودجه پیش‌بینی شده است.

نقشه «سپاه واکنش سریع»: بخشی از استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا

واقعت‌ها قابل تأمل هستند - می‌دهد که ماهی جنگ طلب آمریکا شنای سرسام‌آور به آسمان و پیشبرد نقشه‌های شیطانی گسترده‌ای دست زده‌اند، که سالهاست محافل تجاری افراطی این کشور بدون آن مشغول بوده‌اند. تشکیل و تقویت «سپاه واکنش سریع» کوششی است عبت از سوی امپریالیسم آمریکا برای دفاع از منافع حیالولگانه و تجاوزکارانه‌میش بویژه در برابر حش‌های آزادی‌بخش ملی. این نقشه نیکارانه، جزئی است از استراتژی جهان شمول شيطان بزرگ برای مقابله با نیروهای صلح و پیرفت اجتماعی و تلاشی سپه‌ده برای تغییر توارن نیروهای کی‌الطلسی، به سود امپریالیسم و ارتجاع.

فلوریدا) ستاد نظامی خاص «سپاه واکنش سریع»، تا سی‌سایف. این ستاد با همه فرماندهی‌های سروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در اروپا و اقیانوس اطلس را شامل دارد. روربا «واشنگتن پست»، در شماره ۲۸ ژانویه ۱۳۵۹، خود، منتقل از کلی، فرمانده کل «سپاه واکنش سریع» نوشت که، اس‌سپاه متداخلهگر سزایحام ۳۰۰ هزار نفر را در برخواهد گرفت. با ادویمی خودم که کارتری تعداد نفرات این «سپاه» را نخست ۱۱۰ هزار اعلام کرده بود. به موجب نقشه‌های پنتاگون، «سپاه واکنش سریع» سپاه جداگانه‌ای نیست، بلکه از یگان‌های سروهای زمینی، دریایی و هوایی و تفنگداران دریایی تشکیل می‌شود. هم‌عاصلی این سپاه‌ها یک نیروی ویژه تفنگداران دریایی تشکیل



تفنگداران دریایی، پیش از آنکه عازم خلیج فارس و اقیانوس هند شوند، به تمرین تجویز می‌نویسند.

می‌دهند، که در جنگ تجاوز کارانه آمریکا علیه ویتنام «شهرت خاص» کسب کردند.

مانورهای «سپاه واکنش سریع»

«سپاه واکنش سریع» هم‌اکنون به مانورهای گسترده دست زده‌است. پیش از یک سال پیش، مانوری از ۱۰ هزار سرباز این نیروها در «کارولینای شمالی» و «فلوریدا» صورت پذیرفت. «کریسچین ساینس مانیتور»، یکی از ارگان‌های بورژوازی بزرگ آمریکا، در این تازه نوشت که، از جمله یگان‌های که در این مانور شرکت جست، «نیروهای ویژه» (Special Force) بود، تخصص «نیروهای ویژه» است که «پشت خطوط دشمن فرود آیند، در کنسورهای خاصم رخنه‌بند و بی‌مب‌آموزش با رتوران هاوچرک‌ها بپردازند. در اواسط تابستان امسال، مانوری با شرکت لشکر ۸۲ هوایی - زمینی آمریکا و یک تیب متشابه ایتالیایی در اطراف رم، صورت گرفت. علاوه بر این، در جارجوب «مانورهای پائیری» «ناتو» زنیار کلی فرماندهی مانور «ری جورج» ۸۰ «سپاه واکنش سریع» را به عهده داشت. در این مانور، ۱۷ هزار سرباز آمریکایی، از طریق پل هوایی، از ایالات متحده آمریکا به اروپای غربی انتقال یافتند.

چند هفته بعد مانور «سپاه واکنش سریع» در منطقه کارائیب صورت گرفت. این مانور کسب ۲۰۰۰ تفنگدار دریایی را به پایگاه «کوانتاناو» در کوبا شامل می‌شد. در اوایل زمستان، ۱۵۰۰ سرباز «سپاه» تأیید شده برای شرکت در مانور دیگری به مصر اعزام گردیدند.

برنامه تقویت «نیروهای متداخله‌گر» با سرعت پیگیری می‌شود

تقویت «سپاه واکنش سریع»

برای نمونه، در بریتانیا «تقسیم کار» بود که نیروی دریایی جمهوری فدرال آلمان حیطه عملیات خود را گسترش داد (از دریای بالتیک و دریای شمال تا آتلانتیک شمالی). دولت بریتانیا نیز اعلام کرده‌که قصد دارد به تشکیل «سپاه واکنش سریع» بپردازد.

اینک به برخی از فعالیت‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در جهت تقویت «سپاه واکنش سریع» پس از مراد ۱۳۵۹ نظری می‌انگیم: اواخر آگوست ۱۳۵۹، دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که، علاوه بر دو پایگاه هوایی خود در مصر، به تأسیس پایگاهی دیگر در آن کشور، در سواحل دریای سرخ، مبادرت خواهد ورزید. معارج این پایگاه ۳۰۰ میلیون

موجود است. حاکمدها و هواپیمای جاسوسی «واکس» آمریکا پروازهای راز و مهر و عرستان سویدی آغاز کردند. رشامف‌های گروهی غرب هدف از این پروازها را «تجربه‌اندوژی در منطقه» خواندند. مژون براین ۱۵۰ جنگنده فانتوم «اف-۴» در مصر استقرار یافت. مسان ایالات متحده آمریکا از یکسو برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس آرام سوی دیگر، مانند کوبا، عمان و سومالی، قراردادهایی برای استقرار تجهیزات مورد نیاز «سپاه واکنش سریع» امضا کرد. برای نمونه، در کوبا، «پنتاگون» به‌منواری بندر «ومبایا» و تجهیزات نظامی واقع در «نان‌بونی» و «امبارکزی» خواهد پرداخت. برای پیشبرد این مقصود، ۱۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده‌است.

دولت آمریکا، برای استفاده از «سپاه واکنش سریع» در کارائیب و آمریکای مرکزی، به ایجاد ستاد نظامی ویژه دست زد. ایالات متحده آمریکا، به سپاه آنکه مجهز شده‌است هزینه‌های نظامی بیشتری را بیرون از جارجوب «ناتو» متحمل کرد. متحدان اروپایی غربی خود را فراخواند، تا برای کاهش بار سنگین آمریکا، در اروپای غربی، اقدامات تسلیحاتی خود را شدت ببخشند.

مک‌گراش رساله‌های گروهی غرب، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد تا دیگر متحدان امپریالیستی خود را سوزر چه بیشتر در مازحاجوبی‌های خوبی در منطقه خلیج شرکت دهد. دولت آمریکا پیشنها کرده‌است که «ناوگان مشترک» با حرکت کشورهای «ناتو» و ژاپن، استرالیا و زلاندنو، در این منطقه تشکیل شود.

در اواخر آبان امسال، نظامیان آمریکایی به بررسی امکانات ایجاد یک «امپریاگاه» در جزایر فناری، واقع در سواحل غربی، آفریقا پرداختند. یک روزنامه برلین غربی، که این خبر را انتشار داد، افزود که منظور تأسیس «جزیره همانند دیگوارسیا» در اقیانوس اطلس است. تاکنون از آن به عنوان تحت‌جهتی برای کار بست «سپاه واکنش سریع» در آفریقا بهره جست. مک‌گراش این روزنامه، «هیسرو» که کوچکترین جزیره مجمع‌الجزایر فناری است، می‌تواند به پایگاهی ابدال برای استقرار حداکثر ۶۰ هزار سرباز تبدیل گردد.

«سپاه واکنش سریع» ۳۰۰ هزار نفر را در برخواهد گرفت

در ماه‌های گذشته، در پایگاه هوایی «مک‌دیل» در «تایجا» (ایالت

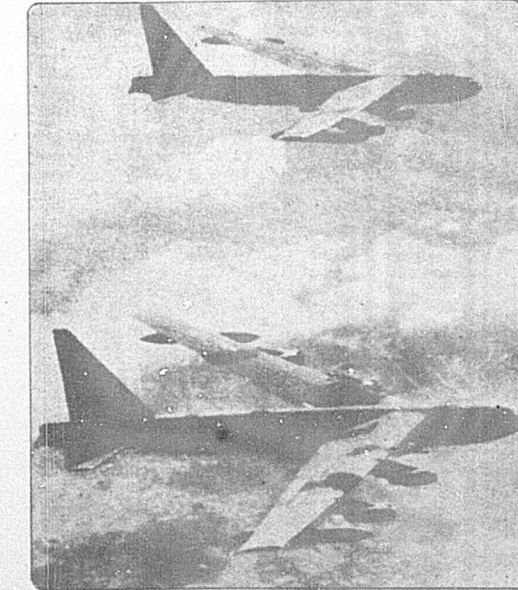
ساحه بود. این ناوگان، از جمله، دو هواپیما بر وزنی‌ها و موشک انداز را در برمی‌گرفت. از سوی دیگر، ناو گروهی از سروهای دریایی - زمینی، متشکل از پنج کشتی و ۱۸۰۰ نفر، در اقیانوس هند استقرار یافت. این ناو گروه، به ناوب، از سوی یگان‌های آمریکایی در مدیترانه اقیانوس آرام تقویت می‌شد.

شماره‌گان‌های دریایی مستقر در خلیج فارس از رویه‌بند فزایش یافت. در حدود هشت ماه پیش، هفت کشتی باربری نظامی ایالات متحده وارد پایگاه دریایی هوایی آمریکا - بریتانیا در دیگوارسیا شدند. این کشتی‌ها، از جمله نیازمندی‌های ۱۲ هزار تفنگدار و چند اسکادران نیروی هوایی را با خود حمل می‌کردند. به گزارش مطبوعات غرب، در دیگوارسیا، برای ۶ هزار سرباز دیگر، جنگ افزار موجود است.

چنگنه‌ها و حتی تسبیح مقاله «اینترنشنال هرالد تریبون» خود را محور دیدار داشته‌اند. در این گزارش، تبلیغات امپریالیستی بیرونی با اصطلاح «خطر نیروی ضربتی» غلبت آن است که این تبلیغات سپه‌ده می‌کوشد تا مقاصد واقعی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را در «منطقه نفوذ خیز خلیج» بی‌نشانده. به هر حال، این اعتراف «اینترنشنال هرالد تریبون» را می‌توان تأیید کرد که ایالات متحده آمریکا به سرعت شرایط مداخله‌گری خود را در خلیج فارس و سواحل خلیج فارس جهان نادرک می‌بندد.

جنگ اشروری خطرناک

دزبیر نخست به برخی از این اقدامات، تا تاریخ انتشار مقاله ما مرده، اشاره می‌کند: نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا ناوگان دائمی، مرکب از ۳-۲۵ کشتی و مسلح به جنگ افزارهای هسته‌ای، در منطقه اقیانوس هند مستقر



دو بمبافکن «بی-۵۲» بر فراز دویای عمان

مسائل کارگری

«همگی داوطلبیم به جبهه برویم»

کارگران شرکت سهامی خاص شهوند:

کارخانه شهوند (تهران) مضاف لاستیکی، کفپوش و نخسوه باشد کفش تولید می کند. تعداد کارگران این کارخانه ۱۳۵ نفر است. که تا پیش از آغاز جنگ در صنعت کار می کردند. در حال حاضر فعالیت خاموشی، به دو شیفت ۶ ساعته محدود شده است.

کارخانه در روزهای سخت جنگ خمینی صدام در اثر بمباران آسیب دید و دو تن از کارگران آن شهید شدند.

با وجود کاهش ساعات کار روزیانی برای کارگران، بر اثر تلاش بی وقفه کارگران، بلکه کارخانه افزایش تولید صنعتی نیز داشته است. این امر گویای آسست که کارگران سازماندهی و مشکلات جنگ و سیاسی این تولید به بهترین شکلی تاق اند.

هرای این واحد تولیدی از ۵ تیمو شکل شده است. یک کارگر قسم برش (یکی از اعضای شورا) جتیکتی فعالیت شورا را توضیح می دهد:

کارگران سندیکا داشتند، با روی کار آمدن دولت جدید سندیکا منحل شد حدود ۱۴ ماه پیش شورای فنی، با ۵ عضو اصلی و ۲ عضو علی البدل، شروع بکار کرد و با وجود جنگ اسامی تولید کارخانه با همت کارگران افزایش قابل توجهی، در مقایسه با سازه سالهای ۵۶-۵۷ و ۵۸ داشته است. کارگران در هر شیفت ۶ ساعته به

اندازه ۸ ساعت کار می کنند و تلاش زیادی در افزایش هرچه بیشتر تولید بخرج می دهند.

درباره قدرت شورا در اداری امور تولیدی گفت:

از آنجا که هنوز تکلیف شوراها معلوم نیست و آئین نامه مربوط به آن تصویب نشده، ما از قدرت اجرایی چندانی، بخصوص درباره ساختن خواسته های رفاهی کارگران، برخوردار نیستیم و نتوانستیم در این زمینه فعالیتی داشته باشیم. بنابراین یک صورت اختیار بوجود آوردیم تا در امور احتیاجات، به کارگران وام بدهد. اما هنوز رسماً شروع بکار نکرده ایم. تعاونی نصف کارخانه نیز با کمبود مواد غذایی مواجه است و نیاز کارگران را تامین نمی کند. مراجعات ما به مقامات وزارت صنایع، برای رسیدگی رفاهی و ضرورتها، نتایجی نداشته است.

فعل از دولتی شدن کارخانه، سهامداران آن برای سودجویی بیشتر مادتد به استخدام کارگران خارجی (مطور عمده افغانی) کرده بودند. پس از برقراری نظارت وزارت صنایع بر اداره کارخانه، کارگران ایرانی جایگزین خارجی ها شدند، و علاوه بر آن، جهت کمترین امر تولید، بر تعداد کارگران نسبت به گذشته تا حدود ۲۰٪ افزوده شد. استخدام کارگران جدید نیز با انقلاب با احتساب کارگرانی که جایگزین کارکنان خارجی شده اند، به ۶٪ می رسد.

از نظر مواد اولیه در حال حاضر کمبودی وجود ندارد. پس از اعمال تحریم اقتصادی و عدم ارسال مواد

اولیه از جانب کشورهای اروپای غربی کارخانه با سخت فرازهای با کشورهای آسیایی، از جمله هندوستان و سنگلاش و کشورهای سوسیالیستی، و همچنین خرید وسایل از واسطه ها، مواد مورد نظر خود را تامین کرده است.

در زمینه توسعه فعالیت های تولیدی، اخیراً از جانب مسئولان کارخانه طرح تولید "تسمه نقاله" به وزارت صنایع پیشنهاد شده است. طبق گفته آنان، اجرای طرح مذکور می تواند تا حدود زیادی نیاز کشور را در این زمینه از داخل تامین کند. طبق آمار سال ۵۶، ۳۲۵ ۰۰۰ تن از این کالا از خارج وارد شده است. کارگران کارخانه شهوند، ضمن محکم کردن نوشته های امیرالمسلم آمریکا، آمادگی کامل خود را برای افزایش بازهم بیشتر تولید و در صورت لزوم اعزام به جبهه های جنگ اعلام داشتند. آنان همدست سایر کارگران قهرمان میهن ما، یک روز حقوق خود را به آوارگان جنگ اختصاصی داده اند. یک کارگر قسمت برش (راخانه از بخشهای برش پرس، غلطک، توزیع و انبار تشکیل شده است) در این زمینه گفت:

"این جنگ تحمیلی است و تا بیرون راندن متجاوزان باید درجهه درجه جبهه متحد" مبارزه کرد. ما تولیدمان را در روز بجای ۸ ساعت ۶ ساعته انجام می دهیم و حتی روزهای نیمه هم تعدادی از کارگران کار می کنند. ما هرگز اجازه نخواهیم داد حتی یک لحظه تولید متوقف شود. وی در بیان مشکلاتی که کارگران

شرکت ۱۰ تراکتور ساخت کارخانجات کس، جان دایر، فورد، فرگوسن، ویک دستگاه ساخت رومانی، یک بولدوزر، یک دستگاه گریدر، یک دستگاه بیل هیدرولیک، دودستگاه لودر، ۳ دستگاه ماشین بندبچینی، چهار دستگاه پرس بونجه، یک دستگاه ماشین برداشت ذرت، یک دستگاه کمپاین دارد. ولی از آنجا که بهترین ماشین ها ساخت کشورهای آمریکا و اروپای غربی هستند، در پی محاصره اقتصادی، با عدم وسایل بدکی بواجه هستند.

کارگران این مجتمع فاقد هرگونه شکل کارگری هستند. محتمی با چنین امکانات وسیع،

باید مورد بهره برداری صحیح قرار گیرد. مشکلات، نارسایی ها و کمبودهای آن رفع شود هرچه بیشتر گسترش یابد. در حال حاضر ماشین آلات کارخانه با کمبود وسایل بدکی روبرو هستند. ولی نمی توان به علت کمبود وسایل آنها را کنار گذاشت و مجتمع را تعطیل کرد. برای رفع این کمبودها، می توان از کشورهای دوست کمک گرفت و وسایل و لوازم مورد نیاز را از این کشورها تامین کرد. همچنین دستمزدهای کارگران روزانه ۵۶۷ ریال است، در حالی که طبق مصوبه شورای انقلاب، حداقل دستمزد برای کارگر ساده ۶۳۵ ریال تعیین شده است. با در حداقل دستمزد این کارگران را نیز افزایش داد.

درباره مجتمع کشت و صنعت «خرمدره»

جمعیت کشت و صنعت "خرمدره" از جمله راضی به ماده رده توسط بنیاد مستضعفین است. این زمین حاصل با عنوان مربع و چراگاه دام های اهالی مورد استفاده قرار می گرفت. زمین از زمین هائیر به طور برانگنده و وسایل اولیه به طور دریم کاشته می شد. پس از اصطلاح "انقلاب صنعتی" زمین نامعلوم، این زمین ها توسط دولت وقت، به عنوان "ملی" شدن شکلها و مراتع، "ملی" اعلام شد.

تا سامانی صادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفت.

وسعت و امکانات این مجتمع در حدود ۸۰ هکتار مساحت دارد و شامل یک گاوداری (فلا ۲۵۰ گاو در آن نگهداری می شود) گوسفندداری (۵۰۰ گوسفند)، مرغداری (۱۴ سالن که ۲۵ هزار جوجه در آن نگهداری می شود)، باغ سیب (بوسعت ۵۰ هکتار)، باغ انگور (به وسعت ۵۰ هکتار)، و زمین های برای کشت بونجه، گندم، جو، ذرت است. حدود صد کارگر دائمی و دوست کارگر، در این مجتمع کار می کنند. روزانه ۵۶۷ ریال مزد می گیرند. این

بناجوه ما این مسئله که کسی حق کشت در این زمین ها را پس از "ملی" شدن نداشت و از طرف دیگر، چون بنا رشد سرمایه داری و استعمار امپریالیسم در ایران، دامداری از رونق افتاد. این زمین ها پس از استفاده و سایر مایه و سیراحام حدود سال های ۵۲-۵۱ به وسیله دولت در اختیار بنیاد "خاک" قرار گرفت. حامو ادعای نیز بناوم. های گلابی که دولت در اختیار آنها گذاشت، اما بنام بنامس مراکز گاوداری، گوسفندداری، مرغداری و همچنین مراکز کشت بونجه و غلات کردند.

سابقه شورای انقلاب، "سالارخاک" به سبب حیانت هایی که در لایس

مندان، از مرخصی استفاده کنیم. اما همچنان کارگران ۱۲ روز و کارمندان ۳۰ روز حق استفاده از مرخصی دارند. ما انتظار داریم که هرچه زودتر قانون جدید کار تدوین و به خواسته های کارگران رسیدگی شود.

مشکلات کارگران کارخانه شهوند را در مجموع می توان در موارد زیر بیان کرد:

عدم تامین وسایل امنیتی در محیط کار، غیر بهداشتی بودن محل کار، عدم رعایت سختی کار در تعیین میزان دستمزد، مشکلات ناشی از لغو سود ویژه، تبعیض میان کارگران و کارمندان ساکن مربوط به بازنگشتی و کارگران با سابقه، کمبود مواد اولیه غذایی و عدم رفع آن از جانب مسئولان، نارسا بودن قانون کار، عدم کارآیی شورا در رسیدگی به خواسته های فوق.

بیشتر کارگران معتقدند که شورا فاقد قدرت اجرایی است و حتی درصدد انحلال شورا، با ایجاد کمیته ای برای پیگیری خواسته های صنفی خود بر آمده اند.

شورای شورای کارخانه شهوند در رسیدگی به مسائل صنفی کارگران تأکید دیگری است بر نادرستی ادغام و وظیف شورا و سندیکا در کارخانه. می توان بحق انتظار داشت که در حوا تنظیم آئین نامه تشکیل شوراها، مسئله سندیکاها را در همان سطح مورد توجه و حمایت دولت قرار گیرد.

دست های توانائی که شهر کرد را تمیزترین شهر ایران کرده اند



شهرکرد را می توان به حق یکی از تمیزترین شهرهای ایران دانست، و این به پاس خدمات باقدانه کارکنان شهرداری و محسوم انسان های جنگجوی چون غلامعلی سلیمی است. که هر چه در توان خود دارند، برای نجات و بهبود شهرش در پی انجام می دهند. چه بواسطه بوداگر درین شهرستان ها مسابغای در این زمینه ترتیب می یافت تا کار انسانی های وطن دوست و مومن به انقلاب ارزشی می شود و از آنها قدر دانی کرد.

رفنگران شهرکرد هیچ چیز بیشتر از دیگر همکاران خود در تمام شهرها و قضاات ندارند. آنها را کارکنان بیشتر از یک بیل، یک جارو و یک گاری دستی نیست، ولی از همین اسلار حداکثر استفاده را می کنند و شهر خود را آن چنان تمیز میکنند که غلامعلی سلیمی می تواند ادعا کند که در تمام محله خدمت او ختی کبفر از کار او ناراضی نیست. غلام علی می گوید:

"هر جا روکه در خیابان می کشم، کثافت رژیم سابق را پاک می کنم و این وظیفه ای است که باید آنرا جدی گرفت و هم باید کثافت طاووت را از فکر، اندیشه، محیط کار و زندگی خود دور کند."

غلامعلی می گوید: "سبچه دارم، یکی سه ساله و دوتا هم دوقلو و دوماهه و دوماهه در بریم. این خانواده هفت نفری فقط با روزی ۶۳۰۰ تومان حقوق اداره می کنم. بجای ناهاز ظفر، بانج ریال نان خشک می سازم،

غلامعلی سلیمی: با نشان خشک می سازم، ولی نمی گذارم این انقلاب، که امید ما است، از بین برود. که امید داری، می توانی با این انقلاب، که امید ما است، از بین بروی. من مطمئن دارم اگر دولت مجال بدهد که سبچه های من و سوسانی ها رسیدگی خواهد کرد. در بدست ز یاد دارم ولی این به هیچ دلیل نمیتواند مرا از انجام وظیفه باز دارد."

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است



اهالی روستای شنگل آباد، از طریق شورای ده، به یکتیک خواستهای خود می رسند

تسکیل شوراهای ده برای دسترسی به خواستهای خود در دریا اول زمین، از بهترین مسکن و طوایف روستاییان است، که با بهره رزودت در تمام دهات روستاهای کشور وجود دارد. شوراهای موهبتی هستند که انقلاب به مردم کشور ما و از جمله روستاییان اعطا کرده است و باید همچون مردمک چشم از آنها پاسداری کرد و کوشید، تا اعضاء تشکیل دهنده، شورا، افسردی دلسوز حال روستاییان و از میان خود آنان باشند. در حدود هفت ماه قبل، در روستای شنگل آباد، از بخش شمشیر شهرستان تبریز، شورایی تشکیل شده است که اهالی آن نحوه عمل شورا را یاد دارند. تعداد اعضاء شورا، که با همکاری سبیه پاداران تشکیل شده، ۵ نفر است و شورا از طرف مقام مسئول به رسمیت شناخته شده است.

تعمیر حمام، احداث پل بزرگی که در طرف دورا به هم مرتبط میسر شود و همچنین احداث ۸ پل دیگر در راههای زراعتی، توزیع سنگار، قند، روغن و بودر روغن شوشی (استفاد از بودر چا دانه جیره بندی) و نیز رسیدگی به شکایات اهالی، از جمله فعالیتهای شگفت شورای روستای شنگل آباد است.

روایط شورا با نیازهای انقلابی خوب و سرادار است. از جمله حمام به همگاری جهاد سازندگی تعمیر شده است و با روغن موتورهای آب راده روز به روز با همگاری یکدیگر، عوض می کنند (التمه این موقتی

است که موتور کار می کند) همچنین از طرف سبیه پاداران منطقه به افراد روستا آموزش نظامی داده می شود و بسج تشکیل شده است. نمونه دیگر از همکاری شورا زمین های ارضی، تقسیم زمین های ارباب توسط هیئت هفت نفری در میان دهقانان زحمتکش روستا است، که بخشداری نیز در این مورد کمک کرده است. قابل ذکر است که ۵ هکتار از زمین های مالک روستا میان دهقانان تقسیم شده است. سبیه پاداران اهالی ده می توانند هر قدر که خواهند، سبیه زمینها را کشت کنند، شورا با بیدار این زمینها آسین ها را با لایرند و دهقانان را به کار رعاوتی تشویق نماید.

مهمترین وظایف کنونی شورا عبارتند از: درست کردن فلاب خراب حمام، تأمین نفت مورد نیاز اهالی، آب زراعتی کافی بوسیله احداث چاهها و واگذاری پمپهای آب. روستاییان و دهقانان زحمتکش، اگر در روستای خود شورا ندارند، سعی کنید که هر چه زودتر با کمک یکدیگر، شورا را متاس خود را بوجود آورید، سعی کنید که اعضای شورا از میان افراد مورد اعتماد خود شما انتخاب شوند، تا در مقابل بزرگ مالکان از شما دفاع کنند و خواستهای شما را برآورده سازند. سعی کنید که همکاری فعال بین شورا شما و سایر شوراهای سبیه پاداران و هیئت های هفت نفری بوجود آید.

اگر بند «ج» اجرا شود، زندگی آفتاب نشین ها رونق پیدا می کند

فدارند و مجبورند زندگی را با مشقت بگذرانند، در انتظار اجرای فوری وقایع قانون اصلاحات ارضی و بخصوص بند «ج» و بند «د» روزشماری میکنند. دهقانان مبارزی که در روزهای انقلاب فریاد میزدند: «مرگ بر رژیم ننگین پهلوی» و «دشمنان بیرونی است، آمریکا نابود است، فتودال نابود است»، هم اکنون در انتظارند که جمهوری اسلامی ایران

روستای ریاط جزیره ۴ کیلومتری شرق سبزوار قرار دارد. این روستا ۸۵۰ خانوار را در بر میگیرد، از این تعداد ۲۰۰ خانوار آفتاب نشین (دهقانان بی زمین) هستند. مردم روستا بطور عمده به کشاورزی اشتغال دارند. قلیایی در ریاط جزیره رونق فراوان دارد. دهقانان ریاط جزیره نیز به عنوان جزیری از میلیونها زحمتکش روستایی در انقلاب شرکت فعال داشتند. آنها با برپا کردن تظاهرات در روستا و مشارکت در راهپیمایی های شهری نقش فعال خود را ایفا کردند. در حال حاضر نیز اهالی ریاط جزیره در سیح مسجد ده شرکت کرده اند و تعلیم می بینند.

یکی از مشکلات دهقانان بی زمین و کم زمین «ریاط جزیره» عدم اجراء کامل قانون اصلاحات ارضی و بند «ج» این قانون است. در این باره یکی از دهقانان میگوید:

«در سابق بین اهالی ده به تیرگی قوتدالهای منطقه هیئت دوستگی وجود داشت، حالا اینطور نیست. ولی اگر بند «ج» اجرا شود، باز هم کسانی هستند مثل آفتاب نشین ها، که زندگی شان رونق می گیرد»

۲۰۰ خانوار دهقان مبارز و زحمتکش ریاط جزیره، که هیچگونه زمینی برای کشت

می توانند این مشکل را حل کنند. از ۵ دستگاه چاه عمیق و ۲۱ دستگاه چاه نیمه عمیق فقط یک دستگاه چاه عمیق و سه دستگاه چاه نیمه عمیق به کار می روند، مسئله سوخت موتورهای آب نیز مشکل را حادث کرده است. حوضه، یکی از دهقانان، در این مورد میگوید:

«من و ۴۰ نفر از اهالی روستا بطور شراکتی دارای یک چاه عمیق هستیم، از طرف بافنداری آمدند و گفتند آنرا راه بیاندازید و حاضر شدند تنها ۱۷ لیتر روغن و ۱۰۰ لیتر گازوئیل بیا بدهند، در حالیکه امتحان کردن موتور به ۳۵ لیتر گازوئیل احتیاج دارد - من مقداری کاشته ام و به علت کمبود آب مجبورم آب ساعتی ۷۰ الی ۸۰ تومان بخرم».

علاوه بر چاهها، روستاییان ۱۰ شبنانه روز از ۳۰ شبنانه روز آب بروخانه هم دارند که آب این روخانه هم کم است. ۲۰۰ خانوار آفتاب نشین روستا به فقر و تنگدستی، کودکن خود را به قلیایی می فرستند و خود روی زمینهای دیگران به کار می بردند، پایه کارهای از قبیل بالاندوزی و سفالگری مشغول هستند. آنان چشم انتظار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند.



دهقانان «چقریش قارداش» خواهان اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی و از جمله بند «ج» هستند

در روستای چقریش قارداش اراضی بزرگ مالک بوسیله دهقانان ساکن صاده از سوی هیئت هفت نفری زیرکشت رفتند.

این زمینها بر نظارت شورای ده، در اختیار روستاییان است، لیکن به علت تعویق بند «ج» بطور قطعی و دائمی به دهقانان واگذار نشده اند. اهالی حامی و پشتیبان شورای ده هستند.

روستای چقریش قارداش یکی از روستاهای بخش گلاله است که در ۲۵ کیلومتر از گندکاووس و کنار جاده میبوده است - مجبورند قرارداد (۱۴۲ خانوار و ۶۵۷ نفر جمعیت) اهالی این روستا از فارسها، ترکمنها و سیستانیها هستند. دهقانان تهدیدست روستا پس از انقلاب با اتحاد و مبارزه خود و علی رغم سبیه های گوناگون بزرگ مالک، زمینهای وی را، که به ۴۰ هکتار میرسید، مصادره کردند و تنها ۱۲ هکتار، بقول یکی از اهالی ۳ برابر عرف محل - مطابق قانون برای اوبایی ماند.

در حال حاضر این اراضی با نظارت شورای ده (که مرکب از ۳ عضو فارس و ۲ عضو ترکمن و ۲ عضو سیستانی است) کشت می شوند. اعضاء شورا با هم هماهنگی کامل دارند و مردم از شورای ده راضی هستند.

پس از اینکه هیئت هفت نفری به روستا آمد، ۲ نفر نماینده دهقانان در هیئت انتخاب شد و هیئت نیز کمک کشت اختیار دهقانان بود، به شورای ده داد. روستای چقریش قارداش آب لوله کشی برقی دارد، لیکن فاقد حمام و پل رودخانه است. شورای ده تا کنون چند بار به جهاد سازندگی گالیکشتر و گندکاووس - مراجعه کرده، ولی کسی بودجه مساو لولیت روستاهای دور دست موجب شده که تا کنون اقدامی صورت نگیرد.

روستاییان چقریش قارداش، با فعالیت شورای ده، کمکهای نقدی و جنسی برای جنگ زگان ارسال داشته

درده خود شرکت تعاونی مصرف ایجاد کنیم

حدود سه ماه پیش اهالی بخش روستایی گهریزک، واقع در جنوب شهری، برای تشکیل یک شرکت تعاونی در مسجد محل جمع شدند و دست به انتخاب هیئت مدیره زدند. آنها برای بنیاد رساندن تعاونی حدود نیم میلیون تومان وام از بخشداری جهان آباد تقاضا کردند. متاسفانه به علت جنگ تحمیلی رژیم صدام، کار پرداخت وام به تعویق افتاد. سهامداران، که در حدود ۱۳۰ نفر بودند

به خاطر اینکه مسئله شرکت تعاونی ملحق نماند، تصمیم گرفتند با مقدار سهمی که در صندوق تعاونی گذاشته بودند، (هر سهم ۳۰ تومان و برای هر نفر تا ۱۰ سهم قابل خرید است)، اقدام به خرید اوراق عمومی مورد نیاز، مثل مرغ و تخم مرغ بکنند.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۳ شرکت تعاونی مصرف بخش گهریزک افتتاح گردید. قرار است که تعاونی خود مسئولیت

بخش ارزاق عمومی جیره بندی شده را به عهده گیرد. لازم به تذکر است که کمیته گهریزک از طریق به فروش رساندن ماه معدن یک فتودال، هزینه اختمان شرکت تعاونی را تأمین کرده است.

این نمونه مؤثرده ای است که می تواند مورد استفاده همه دهقانان زحمتکش قرار گیرد و تعاونی مصرف با شرکت و نظارت خود دهقانان ایجاد گردد.

اراضی وباغهای بزرگ مالکان «در بند» را به دهقانان واگذار کنید!

دره کیلومتری جاده سنگر - شهمیرزاد، باغهای حاصلخیز و زمین های زراعی، منطقه وسیعی بنام در بند را فر گرفته اند. اکثر اراضی منطقه متعلق به دو بزرگ مالک است، که در گذشته به دهقانان ستم روا می داشتند و از نیروی کار آنان به رایگان استفاده می کردند. یکی از آنان، پس از کودتای ۱۳۳۲، به دست سبیه های ملعون رفت و از آن به بعد غلام حلقه به گوش وی شد. سبیه با سوا استفاده از زمینهای در بند، تمام زمینهای در بند و شهمیرزاد را به زور تصاحب کرد.

هنگامی که توده های میلمونی مردم علیه بزرگ مالکان مبارزه می کردند، وی به نفع شاه تظاهرات را می آید. این بزرگ مالک پس از انقلاب تحت تعقیب قرار گرفت.

بزرگ مالک دیگر، که صاحب اکثر باغها و زمینهای در بند است، بیرون دهی سیاه تراز بزرگ مالک قبلی دارد. در حال حاضر زمینهای در بند را پس از بزرگ مالک در اختیار گرفته است.

کشاورزان در بند، که سالها ن سال بر روی این زمینها کار کرده اند، چشم انتظارند تا هیئت هفت نفری هر چه زودتر به وضع باغها و اراضی این خدمتگزاران طاغوت رسیدگی کند و قانون اصلاحات ارضی را بطور کامل در مورد آنها به اجرا در آورد.

امام خمینی موکداً گفته اند که اراضی غصبی، که بزور گرفته شده با سند سازی شده، باید به مالکیت دهقانان درآید. چنین زمینهایی حتی مشمول بند «ج» هم نمی شود و هیئت ۷ نفری با همان بندهای «الف» و «ب» می تواند آنها را به دهقانان زحمتکش واگذار کند.

برای دفاع از همین خود، زبفرمان سیاه پاسبان مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در زبند به نهادهای انقلابی اعلام کنید

دهقانان!

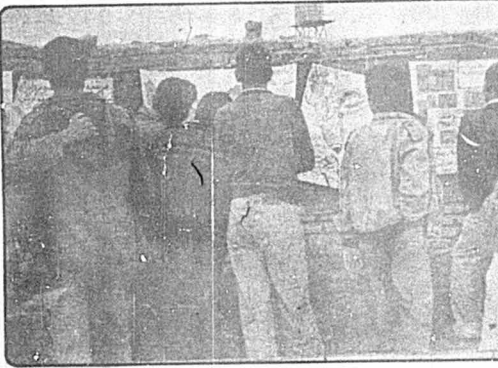
باید از خروج بی رویه ارز تحصیلی جداگلو گیری کرد

حمله ضد انقلاب به نمایشگاه دومین سالگرد انقلاب در تنکابن خنثی شد



به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران، از سوی سازمان حزب توده ایران در تنکابن، نمایشگاهی از عکس، طرح و پوستر در این شهر برگزار شد. این نمایشگاه، که در آن کاریکاتورهای نیز در باره توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران به نمایش گذاشته شده بود، در طول برپایی خود مورد استقبال مردم قرار گرفت. پس از گذشت مدتی از برپایی این نمایشگاه، عوامل ضدانقلاب سعی کردند، تا از ادامه کار جلوه‌گیری کنند و آن را در هم بزنند، لیکن هوشیاری مردم و نهادهای انقلابی و انتظامی تنکابن مانع انجام توطئه ضدانقلاب شد.

نمایشگاه عکس و کاریکاتور در دزفول



بعثت اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در شهرستان دزفول، نمایشگاه عکس و کاریکاتوری از "حکمت‌حاصلی صدام و توطئه‌ششم آمریکا" در گورستان این شهر، از ۱۶ سپهر ۵۹، برپا کردند. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال مردم دزفول مواجه شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

آنهاکند؟ علاوه بر این، مسئولان بانک مرکزی باید توجه داشته باشند که با فرض بدون اشکال بودن ادا معضالت این نمایشگاهی، با نسیاد بانک‌های کشورهاستی که در امر محاصره اقتصادی ایران نسیالغو شطان بزرگ- آمریکا بوده‌اند و در تلاش آمریکا منظور در هم کوبیدن انقلاب مردم ایران، همان کشور با می دهند، احزاب و احاد نامندگی در ایران داد نمود. بنظر ما، موضوع وجود نامندگی- بانک‌های بانک‌های خارجی در ایران از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و جا دارد که مورد مطالعه جدی و همه‌جانبه مقامات مسئول کارنده‌اند؟ چنانچه فراموش کنیم که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران، برای سرزمین به انقلاب، حتی یک لحظه عرصه اقتصادی را فراموش نکرده و سعی کنند با استفاده از جمع امکانات سعی دارند نفوذ از دست رفته خود را در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی ایران دوباره دست آورند. آیا وجود دفتر نامندگی بانک- های امپریالیستی در ایران آغازی برای این تجدینفوذ نیست؟ باید به هوش بود که آنها را بر دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران مسدود کرد.

دانشجو به خارج می‌رفت. انقلاب که همه چیز را دچار دگرگونی و تظنور کرد، در عرصه آموزش عالی برای اعزام دانشجو به خارج نیز باید بتواند تحول اساسی منطبق با نیازهای جامعه پدید آورد. دانشگاه‌ها اکنون که انقلاب سومین سال پیروزی را می‌گذرانند، هنوز جز برخی محدود نظریات جزئی، کار چشم‌گیری در این عرصه انجام نندیده است. به تنهایی برای دانشجویان مقیم خارج تاکنون میلیون‌ها دلار از جیب این مردم ارسال شده، بلکه ضدانقلاب غیردانشجوی نیز موفق شده، با نقل و حمل، میلیاردها دلار از دانشجویان مقیم خارج حواله بگیرد، معاش خود را در اروپا و آمریکا تأمین کند و علیناقاب دست به توطئه بزند.

باتوجه به این حقیقت، نخستین گام مسئولین در این راه باید بررسی فوری برنده‌های دانشجویی باشد. با دروشن شوکه‌گانه ۱۵۰-۲۰۰ هزار نفری که به نام "دانشجو" از زمین گیرند، چه کسانی هستند؟ سابقه تحصیلی آنان چیست؟ چند سال است در خارج اند؟ در چه رشته تحصیل می‌کنند؟ منشأ خانوادگی و پیشینه فعالیت‌های سیاسی آنان چیست؟ تا هم از جعل و تقلب برای خروج ارز دانشجویی جلوگیری شود و هم انتخاب دانشجو و ارسال ارز برضوابط انقلابی جدیدی مبتنی گردد.

نخست باید نیازهای کشور را به نوری تخصصی، باتوجه به سرتیوال اقتصاد کشور، سنجید، سپس برآورد کنیم که چه تعداد از این نیرو را در داخل می‌توانیم تأمین کنیم و چه تعداد باید در خارج آموزش ببینند. تعداد اخیر از میان دانشجویان مقیم خارج، باید نظیر گرفتن معیارهای بربر، باید انتخاب شوند:

- ۱- متعلق به خانواده‌های طاقوتی و فراری نباشند،
 - ۲- نیاز آنان به دریافت ارز تحصیلی مسلم باشد،
 - ۳- در رشته‌های دانش‌اندوزند که مورد نیاز کشور است،
 - ۴- سابقه فعالیت سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی نداشته باشند،
 - ۵- متعهد به بازگشت به ایران باشند.
- پس از آن که نیروی مورد نیاز اقتصادی کشور از میان اسبوه دانشجویان ایرانی مقیم خارج انتخاب شد، تازه باید میزان ارز تحصیلی را منطبق با هزینه زندگی توام با قناعت دانشجویی

به منظور صرفه‌جویی در ارز دانشجویی و تعیین حدود و ترمیم‌مغولی برای آن، وزارت آموزش عالی بر سبب- امعاطی برای دانشجویان ارسال داشته، تا پس از دریافت محدود، تصمیمات تازه‌ای در این باره اتخاذ کند. "نامفهوم" در باره این مسئله، که به‌ویژه در دوران بعد از انقلاب یکی از محاری مهم خروج ارز از کشور تبدیل شده، گزارا نیز خود را اعلام داشته است، حواره تکرار کرده‌ایم که در مسئله عداد دانشجویان مقیم خارج رشته تحصیلی آن‌ها و مبلغ ارز رسانی تجدید نظر جدی لازم است، تا هر سال مبلغ هنگفتی ارز زیر این عنوان به خارج برود.

مقامات دولتی متعلق به طرح تعداد دانشجویان ایرانی مقیم خارج را حدود ۱۵۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند. به عقیده ما، این رقم دقیق نیست و باتوجه به تعداد کسانی که بی‌بازرسی در خارج تحصیل می‌کنند، به نام "دانشجو" از ارز در اختیار می‌گیرند، تعداد آن‌ها هشتاد تا بیست هزار نفر است. اما اگر همین تعداد را رقم واقعی بگیریم و محاسبه را بر این پایه تراز در هم برای هر دانشجو ماهانه هزار دلار ارسال شده، هر سال مبلغ ۸۰۰ میلیارد دلار ارز زیر این عنوان به خارج فرستاده‌ایم. بر این رقم باید مائلی را افزود که دانشجویان متعلق به خانواده‌های مرفه از خانواده‌های خود- در گذشته به صورت مشروع و در دوران سپهر انقلاب از طریق قاچاق- دریافت کرده‌اند. بر این رقم باید پدیده‌های خوراک و پوشاک و مالی و آثار هنری و تفریحی را افزود که خانواده‌ها منطبقاً طی سال برای فرزندان خود ارسال داشته‌اند. با احتساب این دو رقم، ارز ارسالی برای دانشجویان مقیم خارج از ۲/۵ میلیارد دلار در سال هم تجاوز خواهد کرد.

در دوران طاغوت و غارت امپریالیسم، هدف، سازگاردانند دلارهای نفتی کشورهای امپریالیستی بود. و یکی از محاری آن، همین ارز دانشجویی، از آنجا که اقتصاد ایران می‌بایست وابسته بماند، بول‌هایی که باید در صنعت و کشاورزی و فرهنگ کشور سرمایه‌گذاری خود به اجرا درصفت ملی و مستقل، کشاورزی خود کفا و فرهنگ پیشرفته کمک کند، برای حفظ صنایع و کشاورزی وابسته فرهنگ معارضه زده به حبیب احضارات امپریالیستی سرازیر می‌شد. دانشگاه‌های ایران محدود و محقر و کم حجم باقی می‌ماند و مسل

نمایند گیهای بانک‌های کشورهای امپریالیستی در ایران چه میکنند؟

آغاز کردند و به تدریج بر تعداد آنها نیز اضافه کردند. تا آنجا که در پایان سال ۱۳۵۶، پس از ۵۰ نامندگی، که بعضی از آنها نامندگی چندین بانک امریکائی اروپائی و اتحادیه بودند، دفاتر خود را در تهران گشودند و به فعالیت متغول گردیدند. از آنجا که مقرراتی در مورد فعالیت نامندگی‌های فرسور به وسیله بانک مرکزی تدوین نگردیده بود و بانک مزبور سر کار آنها نیز نظارت نداشت، نامندگی‌های مورد بحث مسادرت به انجام هر نوع فعالیت سودآور و خصوص نقل و انتقال غیر مجاز را می‌گردید. ملی کردن بانک‌ها، که یکی از دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بود، موجب قطع نفوذ صاحبان سرمایه‌های کلان داخلی و انحصارات

مافی سن‌اللی در بانک‌های کشورهای گردید. ولی نهایت تعجب مشاهده شد که نامندگی‌های بانک‌های خارجی در ایران، جز آن تعداد که از طلبیها مبادرت به سرانجام کردن فعالیت خود کردند، به کار ادامه دادند و گویا دفاتر تعطیل شد مریه فکر بازگشائی دفاتر خود هستند. بر اثر زور و ملامتات، مورخ ۳۰ سپهر ۱۳۵۹، خبری مشرح زیر درج گردید:

۱- پنج بانک وائینی با پیش‌بینی افزایش معاملات تجاری و مالی با ایران، دفاتر خود را در تهران مجدداً گشودند.

۲- در اساط ساحر مزبور و آنچه به این وقت گفته‌اند، بانک‌ها در ایران ملی اعلام شده‌اند، مردم حتی دارندگان فعالیت این نامندگی‌ها باشند و از بانک مرکزی، که به موجب قانون،

رزم گذشته تلاش داشت تا ایران را، چهار لحاظ سیاسی و چند رسته‌های اقتصادی، هر چه بیشتر به کشورهای امپریالیستی وابسته کند. یکی از آثار این تلاش، ورود سرمایه‌های مالی امپریالیستی به بانک‌های کشورهای متعلقه بود. بانک‌های متعلقه به امپریالیسم، به منظور تسلط هر چه بیشتر انحصارات مالی سن‌اللی بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی ایران، تشکیل شدند. این نامندگی‌ها، فارغ از هر محدودیت و بدون اینکه مقرراتی در مورد نفوذ و محدودیت فعالیت آنها وجود داشته‌باشد، کار خود را در ایران

درباره دوران بسیار دشوار انتقال

اجتماعی ایران تحول ریشه‌ای روی دهد و انقلاب بازگشت‌ناپذیر شود.

یعنی چه؟ یعنی بجای حکومت بزرگ مالکان، کلان سرمایه‌داران، دیوانسالاران زودگو و مفتخوار و روشنفکران وابسته به آنها، حکومت توده‌های مولد جامعه: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش پدید آید. این آن‌جامه‌ایست که استقلال و آزادی را مانند مردمک دیدگانش حرسات خواهد کرد و امپریالیسم را تان‌راخته کردن در در استوار نظام اجتماعی‌اش خواهد بود. ولی آیا ساختن چنین جامعه و استقرار چنین حاکمیتی کار ساده‌ایست؟

انتقال از جامعه فئودالی و ملاکان و سرمایه‌داران و دیوانسالاران و روشنفکران وابسته به آنها، به جامعه توده‌های مردم، کار فوق‌العاده بزرگ است. آنهم درحالی‌که تمام سرمایه‌داری جهانی در پشت سر آن اردوی دوخیز ایستاده و با پول و اسلحه و توسیه و تشویق و سازماندهی و تحریک او را سر پا نگاه میدارد و در سر راه پیشرفت انقلاب دام‌گشتری و سدسازی می‌کند. «پاک‌زون آمریکا مسهرتین تمبیه‌های نظامی خود را در منطقه مساهم می‌کند. در این صورت که تنها یک جزء آن، مهم‌ترین ناوگروه در دریای عمان و مهم‌ترین پایگاه است. دبیو که گامی است.

چرخنده‌آورد است که کسانی که خود را روشنفکر هم‌پندارند، مشکلات کنونی را چنین سهل و ساده بگردن حکومت بخوندند؟ می‌اندازند! بخشی از روحانیت مردمی ایران در کنار میلیون‌ها تن دیگر در این انقلاب نقش مهم و نظرگیر داشته‌اند و دارند. ولی تلخیص سربازی یک انقلاب

تا امروز، پیوسته همچنان اجتماعی ریشه‌کاو و بنیادینی از خود نشان داده است، که می‌تواند مایه فخر او باشد. در مورد انقلاب مشروطیت نیز، که بارها مورد ستایش لنین قرار گرفته، یکی از مورخین خارجی نوشت که، ایران با این انقلاب «پیش‌تاز کوچک آسیای بزرگ شده.

این پیش‌تازی را ما در جنبش ملی‌کردن نفت برهبری دکتر محمد مصدق نیز دیدیم. آنرا در انقلاب بهمن، برهبری امام خمینی نیز بادامنه زرفا می‌بینیم.

ولی انقلابی که از ۱۳۵۷ آغاز کردیم - همانطور که رهبر انقلاب نیز بارها گفته‌اند - هنوز در راه است. کسانی‌که گفتند که انقلاب ما دیگر تمام شده و حالا عصر سازندگی است. این کسان، با طرز تفکر محافظه‌کارانه و آفق دید خاص خود، هنوز هم همین اندیشه‌ها را تکرار می‌کنند. ولی اگر ما این نظر را بپذیریم، یعنی انقلاب خود را در مرحله ابتدائی متوقف نگاه داریم و به مرحله عالی‌تر، یعنی مرحله اجتماعی اوج ندهیم، باز در خم یک کوچه مانده‌ایم. یعنی توقف انقلاب، یعنی شکست انقلاب. در اینصورت به تنها چیزی که دست‌یافته‌ایم آنست که، بجای قیافه پهلوی و نوک‌رانشان، قیافه‌های همانند دیگری را ببینیم.

لذا حق با امام خمینی است که گفت «انقلاب هنوز در راه» است. البته سازندگی انقلابی (بنا ایجاد نهادهای دولتی و انقلابی) مدت‌هاست آغاز شده و اگر صدمت دوزخی صدام ولید بر ما وارد نمیشد و نشود، و اگر امپریالیسم آمریکا امان میداد و بدهد، الان بسی گسترش می‌یافت. ولی سازندگی واقعی تنها زمانی شدنی است که در پرتو

یکی از خصائص عصر تاریخی ما، چنانکه به‌نگام خود، لنین پیش‌بینی میکرد، عصر انقلابیست. برای آنکه دنیای کهنه و نظامش عوض شود و دنیای نوینی جای آنرا بگیرد، یک دوران کامل تاریخی لازم است که در آن انواع انقلابها، با اشکال مختلف، بسر نوشتهای گوناگون، روی میدهد و فراز و نیسب شگرف خود را طی میکند، تا بتدریج نضج یابد، شکوفه دهد، به‌برنشیند، میوه‌اش پست آید.

این انقلابها ماهیتا از دو گونه عمده و اساسی خارج نیست:

- ۱- انقلابهای اجتماعی برای رهایی از بهره‌کشی و بهره‌کشان،
- ۲- انقلابهای آزادی‌بخش ملی برای رهایی از وابستگی و استعمار.

این دو نوع انقلاب با هم پیوند دارد، یعنی وقتی انقلاب آزادی‌بخش ملی روی داد، در عصر ما، فقط زمانی تثبیت و تکمیل میشود که از انقلاب سرافا ملی (بمناظر استقلال ملی) به یک انقلاب اجتماعی (برای حذف بهره‌کشی انسان از انسان و استقرار اجتماعی و دمکراسی خلقی) بدل گردد، زیرا در عصر ما، سرمایه‌داران، به‌منابیه طبقه، دیگر قادر نیستند حافظ استقلال باشند و اگر قسراً وابسته‌ای از آنها برود و قسراً دیگری از آنها سرکار بیاید، این قسراً تازه نیز بتدریج به ملی مدتی در دیکتاتور و جوسواشان به‌سراز سرمایه‌داری مستحیل میشود و ثمره انقلاب انجام یافته، به‌جزیری قریب به سفر بدل میگردد. آتش همان است که کاسه همان کاسه خواهد شد.

تاریخ معاصر کشور ما از جهت انقلابها و سرنوشت آنها بسیار غنی است. این مردم‌مغرور و زنده و ترس‌زد از این کشور هرگز خموشانه و بی‌برخاش تن به اسارت سیطره‌های جوانی خارجی ندادند. تاریخ طولانی، فرهنگ والا، سنن غنی

جنبشهای مردمی و همچنین نقش عساکر بخش مبارزی از روحانیت تشیع، تاریخ ما را از خیزشها و پایداربها انباشته است، اگر چنین نبود، در کشور ما انقلاب عظیمی که از ۱۳۵۷ آغاز شده و کماکان ادامه دارد، روی نمیداد.

ایران ما، به‌شهادت حوادث از جنبش‌تیاکو

با تعمیق انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
کشور جدا کند و در آن دولت «ایران آزاد» بسازد. این نقشه جنبشی نیز غنی ماند...
تمام آنچه‌های گذشته آمریکا با شکست روبرو شده است، ولی کوشش آمریکا برای رسیدن به مقصود، بر روی هر دو خط، همچنان و روز بروز با گستاخی و برشماری بی‌تبری ادامه دارد. نتیجه تفریق‌اندازی که در این اواخر در سطح کشور مشاهده شد، بنحوی بارز نشان داد که آمریکا میخواهد، به‌تدریج، به‌سازداری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یابد. از یکطرف، همانطور که ریگان به‌سراحت و مکرر اعلام داشته، آمریکا سعی دارد که حاکمیت انقلاب را در ایران بنحوی آسان سپس ساقط کند. و بجای آن یک دولت «معتدل و میانه‌رو» از نمایندگان سرمایه‌داری ایران روی کار آورد، و از این طریق راه را بازگشاید خود را یکسایه، تا سپس حکومت مطلق خود را مانند زمان شاه مملوم برقرار کند.

از طرف دیگر، آمریکا بوسیله صدام جنگ تهاجمی را علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه میدهد. آتش جنگ برادرکنی در کردستان را افزون‌تر نگاه میدارد، در کار ایجاد آتش-افروزیهای دیگری در بلوچستان، در فارس و در دیگر نواحی است، تا بدین وسیله جمهوری اسلامی ایران را از پای دزآورد، یا با

حاکمیت انقلابی در راه خواستهای

برحق آنها گام بر میدارد و در نتیجه در دفاع از انقلاب در برابر ضد انقلاب مسموم و قاطع‌تری بایستند. این احساس راهم‌چنین از راه توجه و اقدامات مقتضی در دیگر زمینه‌های زندگی مردمی زحمتکشان میتوان و باید برچورد آورد.

در یک کلام، اگر انقلاب میبایستی تحولی در جامعه بسود زحمتکشان و مستضعفان بوجود آورد، و اگر این تحول جز از طریق صرف موضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بزرگسرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان ممکن نیست، پس باید با قاطعیت انقلابی بیشتر در تصرف اینک مواضع بسود زحمتکشان اقدام کرد و با تعمیق انقلاب، عملا به اکثریتی که بیش از ۹۵ درصد مردم کشور را تشکیل میدهد، انبیاثت کرد که، انقلابی که انجام گرفته، انقلاب «کوچ‌نشینان علیه کاخ‌نشینان» است.

این تعمیق انقلاب، خود باعث آرایش، خشکاندن زمینه‌فعلیت ضد انقلاب در ایجاد و دامن‌زدن به ناراضی‌ها و در نتیجه خشکاندن زمینه تحریکات و تشنج و درگیری خواهد شد. علاوه بر آرایش را باید از طریق اعمال حاکمیت قانون در تمام زمینه‌ها، نسبت به همه مسائل، در سطح کشور برقرار کرد. حاکمیت قانونی نیز وقتی تحقق‌پذیر است که، اولاً همراه و به‌رسمند از تعمیق انقلاب و جلب انقلابی توده‌های میلیون‌ها، و ثانیاً با رعایت دقیق اصول قانون اساسی در جهت آرزو و خواست

در کار گروهی، ساده‌کردن عیاینه مطلب است. بخش قاطع مشکلات موجود صرفاً نتیجه عمل امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و تدارکات و توطئه‌های بنیاد رسیس، ارتجاع منطقه (از نوع صدام) و ارتجاع ضدانقلابی ایران و متحدان آگاه و ناآگاه آنهاست. اگر خطای این یا آن نهاد انقلابی در این مشکلات سهمی داشته باشد، مهم است، ولی فرعی است. شما لفظهای همسوزکنید که اگر تهدیدات و توطئه‌های بیابای و جنگ و خرابکاری‌های فطخلی و خارجی نبود و اتحاد نیروهای انقلابی عملی میشد، تا چه‌اند مشکلات امروری انقلاب حتی در نهادهای انقلابی رخته کرده است و از درون این نهادهای بنام انقلاب دست به خرابکاری می‌زند.

ضدانقلاب ایران، طبق دستور صریح سازمانهای جاسوسی از واشنگتن، لندن، پاریس، بن، رم و یکن از سوئی و تسنیم و عیادت و فروشی واردکار شده است. از سوی دیگر، بخش دیگری از فعال همین دستگاه‌های جاسوسی، با سرورها و شمارها و جزوات انقلابی بمیدان آمده‌اند و جار و جنجال به اصطلاح انقلابی بمیدان آمده‌اند و به دفاع از «طبقات زحمتکش» و «حق ملل» ایران پرداخته‌اند!

ما بعنوان عناصر بیگانه و صدیق انقلابی، روی پوست و گوشت خود احساس می‌کنیم که دشمنان انقلاب با ترفندهای روان‌منشانه خود توانسته‌اند چوبی بزرگی را چرخ انقلاب بگذارند. ولی ما دشواریهای همه‌جانبه دوران انتقال، حاد بودن نبرد «کبر» «لجاجت‌خوانه»، جنون‌آمیز و تبه‌کارانه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و عیاشی را، که عاشق بازیافتن «بهشت گمشده‌اند»، درک می‌کنیم و با شکیبایی فراوان و پایداری بدون قنور، در راه تعمیق انقلاب می‌جنگیم. بی‌خاطر حقانیت راه است، ولی در عین حال ما به پیروزی قطعی و نهایی این نبرد مقصد نیز باور داریم، هرچه میدانیم که سنگلاخ طولانی و رنجبار هنوز در پیش است.

ما دشواریهای دوران انتقال را درک و تحمل می‌کنیم!

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در قزوین در مورد حوادث اخیر این شهر

می‌خواهیم که با برخوردی اصولی و انقلابی در حفظ آرامش شهر کوشا باشند و عاملین تشنج و درگیری را به مجازات قانونی برسانند.

در همین زمینه باید به اطلاعیه‌ای که از سوی سربان پاسداران انقلاب اسلامی میوه منتشر شد و در آن بسرستی نوشته‌های، امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی اشفاه شده بود، نیز اشاره کرد. ولی متأسفانه در بخشی از این اطلاعیه، نام حزب توده ایران و نمایان خلق (اکثریت) در کنار گروههای چپ‌رو و چپ‌نا قرار گرفته بود. ما ضمن تکذیب قاطعانه شرکت انضاف و هواداران حزب توده ایران در این درگیری‌ها و جلب توجه مسئولین از حزب توده قاطعانه و سواقانه حزب توده ایران از انقلاب ضدامپریالیستی مردمی ایران، اعلام می‌کنیم که حزب ما نه تنها در این درگیریها نقش ندارد، بلکه آنرا محکوم می‌کند و خواستار برخورد و مجازات عاملین آن نیز هست. سازمان حزب توده ایران در قزوین

۱۳۶۰.۰۱.۱۸

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

همان اکثریت مردم، عادلانه و دقیق اعمال گردد.

بنیان‌بست برگزازی
کنگره دوازدهم
حزب کمونیست
بلغارستان

بلغارستان سوسیالیستی با گام‌های استوار به پیش می‌رود

* امروزه صنایع بلغارستان در روز پانزده تمام سال ۱۳۱۸ تولید می‌کنند.
* بلغارستان در زمینه فرهنگ با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان برابر می‌کند.

* راهی که جمهوری خلق بلغارستان بیش از ۳۶ سال پیش برگزید، می‌تواند برای بسیاری از کشورهای عقب‌افتاده نمونه باشد.

تاریخ بلغارستان سوسیالیستی با پیروزی ۱۸ شهریور ۱۳۲۳ (نهمین ماه ۱۹۴۴) آغاز می‌شود. رستاخیز توده‌ای ۱۸ شهریور چرخش تاریخ‌سازی است در یکار دیرینه خلفی که برای آزادی مین خود از هیچگونه جابجایی‌ریغ نوزید. در قیام برای آزادی بلغارستان، بیش از ۶۰ هزار مین دوست جان باختند و نزدیک به ۲۰۰ هزار تن به زندان و تبعیدگاه تن دادند. «رمن» پیروزی ۱۸ شهریور را باید در ارجان‌گشتگی، پایاداری و دلوری زحمتکشان بلغارستان، اتحاد همه نیروهای ملی و شرقی در «جبهه واحد خلق»، به‌رهبری حزب کمونیست بلغارستان و کمک‌های ایثارگرانه ارتش فاشیسم‌شکن شوروی جستجو کرد.

پیروزی ۱۸ شهریور - تحولی شگرف در تاریخ بلغارستان

پیروزی ۱۸ شهریور تحولی شگرف را در تاریخ بلغارستان آغاز نهاد. طبقه

حاکم، که وابسته به بزرگ‌سرمایه‌داران و کلان زمینداران بود، سرنگون گردید و رژیم سلطنتی فاشیستی به زیاده‌دان تاریخ سپرده شد. زحمتکشان نمایندگان راستین خلق زمام امور را بستان گرفتند. در سال ۱۳۶۰، مردم بلغارستان یک هزار و سیصدمین سال تاسیس کشور خود را جشن خواهند گرفت. هرچند ۳۷ سال حیات سوسیالیستی مرحله بسیار کوتاه را در تاریخ هزاره‌سندساله بلغارستان تشکیل میدهد، ولی مردم بلغارستان در این مدت توانسته‌اند زنگ واپس‌اندکی سده‌ها اسارند و ستورا از چهره مین خویش بزدایند.

بلغارستان کوچک سوسیالیستی امروزه دارای بیش از ۱۱۳۰ واحد بزرگ صنعتی و ۱۱۰ نیروگاه است. تولید فرآورده‌های کارخانه‌های بزرگ بلغارستان اینک، در مقایسه با سال ۱۳۲۳، نهمین‌بار افزایش یافته است. این بیکره برای صنایع شیمیایی ۴۸۰ است. امروزه، صنایع بلغارستان تنها در روز پانزده تمام سال ۱۳۱۸ تولید می‌کنند. در سی و هفت سال گذشته پایه‌های داد و ستد اقتصاد ملی سرپا نوسازی و صنایع سنگین، از جمله فلزکدازی، ماشین‌سازی، شیمیایی و غیره، احداث شده است.

صنایع بیش از ۵۸ درصد درآمد ملی را تأمین می‌کنند

در حالیکه در سال ۱۳۲۳، صنایع تنها ۱۵ درصد درآمد ملی را تأمین

بلغارستان در گستره فرهنگ این گام‌هایی بس بزرگ به پیش برداشته است. سوسیالیسم فرهنگ را به معنای واقعی کلمه توده‌ای کرد و چون نان پیرخانه‌ای راه داد. امروز در بلغارستان، که هنوز جمعیت آن کمتر از ۹ میلیون نفر است، سالیانه بیش از ۵۰ میلیون جلد کتاب چاپ می‌شود. جمهوری خلق بلغارستان از این نظر و در گستره آموزش و پرورش، با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان برابری میکند.

سیاست خارجی جمهوری خلق بلغارستان

انقلاب سوسیالیستی بلغارستان در زمینه سیاست خارجی این کشور نیز دگرگونی‌هایی بنیادی پدید آورد. سیاست خارجی بلغارستان بر پایه انترناسیونالیسم و همکاری با نظام‌های مختلف اجتماعی بر اساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، استوار است. این سیاست در صحنه جهانی برای کشورهای سوسیالیستی بلغارستان اعتبار و وجهه‌ای گسترده فراهم آورده است.

بلغارستان هم‌اکنون یکی از صادرکنندگان عمده انواع کالاهای صنعتی و کشاورزی به بسیاری از کشورهای اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. تنها در ۲۵ سال اخیر، مبادلات کالا میان بلغارستان و کشورهای سرمایه‌داری بیش از ۳۰ برابر شده است.

بلغارستان عضو فعال شورای همکاری اقتصادی و پیمان دفاعی وروشوه است. این کشور در عرصه بین‌المللی حداکثر کوشش خود را برای دفاع از صلح، تشرذایب و خلع سلاح عمومی بکار می‌برد.

راهی که جمهوری خلق بلغارستان بیش از ۳۶ سال پیش برگزید، می‌تواند برای بسیاری از کشورهای عقب‌افتاده نمونه باشد.

میکردند، این سهم اکنون به بیش از ۵۸ درصد رسیده است.

پس از آزادی، سیمای کشاورزی بلغارستان نیز بکلی تغییر یافت. کشاورزی عقب‌مانده، پراکنده و کم‌بار پیشین اکنون جای خود را به کشاورزی مدرن، متمرکز و برپار داده است. اینک، در بلغارستان بیش از ۳۰۰ مجتمع کشاورزی - صنعتی وجود دارد، که به مدرن‌ترین ماشین‌ها مجهز است. بلغارستان، که تا سی سال پیش بی‌حسب نیازهای کشاورزی خود را تأمین می‌کرد، امروزه یکی از بزرگترین صادرکنندگان فرآورده‌های کشاورزی به چهارگوشه جهان است.

گام‌های بزرگ در راه بهبود زندگی زحمتکشان

در سال‌های پس از پیروزی بر فاشیسم و سرمایه‌داری، در بلغارستان گام‌های بزرگی در راه بهبود زندگی زحمتکشان برداشته شد. در جمهوری خلق بلغارستان، مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی، مبادرت در آموزش رایگان و همگانی است. در کشور بلغارستان شبکه‌ای مترام از شیرخوارگاه‌ها، مهدی‌های کودک، کودکستانها، دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها، استراحتگاهها و بیمارستانها پدید آمده است.

در سال‌های اخیر، درآمد دولتیان به سطح درآمد شهروندان رسیده است. روستاها از هر جهت به شهرها نزدیک شده‌اند.

قطع بی‌رویه درختان جنگلی در آستارا

عده‌ای از افراد سوجو در آستارا، مبادرت به قطع درختان جنگلی این ناحیه کرده‌اند. این عده با فروش درختان از طرفی چسبایی خود را برمی‌کنند و از طرف دیگر باعث تخریب منابع طبیعی کشور می‌شوند.

ما توجه مسئولین امر و نهاد های انقلابی را به این مسئله، جلب می‌کنیم.

آب آشامیدنی آستارا غیر بهداشتی است

آب آشامیدنی آستارا غیر بهداشتی، بدبو و تصفیه نشده است. آب این منطقه به علت درجه سختی بالای که دارد، فرمال عده‌ای را به سنگ کلیه دچار می‌کند. اهالی آستارا منتظرند که مسئولین امر هر چه سریع‌تر به وضع آب آشامیدنی این منطقه رسیدگی کنند.

توضیح

در شماره ۴۷۳ نامه هروم، در مقاله «آمریکا - کشور جنایت، دزدی و هتک ناموس»، تاریخ قتل متولین که عکس آنها چاپ شده است، ۱۷-۲۳ اسفند ۱۳۵۹ است.

پشتیبانی نمایندگان قبایل پشتو از دولت افغانستان

بیرک کارمل رهبر جمهوری دمکراتیک افغانستان، در دیدار با نمایندگان قبایل پشتو گفت دولت افغانستان به مذهب مقدس اسلام و رسوم و شعای ملت‌های ساکن جمهوری دمکراتیک افغانستان، احترام عمیق می‌گذارد. بیرک کارمل افزود امریالیسم آمریکا و ارتجاع این منطقه سعی دارند با سوءاستفاده از دین اسلام، خلقهای افغانستان را بجان یکدیگر بیندازند و بدینطریق از متحدشدن زحمتکشان این کشور برای ایجاد یک جامعه مترقی جلوگیری کنند. نمایندگان قبایل پشتو که در خاور افغانستان ساکن هستند، پشتیبانی خود را از سیاست دولت اعلام کردند و به بیرک کارمل اطمینان دادند که به ضدانقلابیون اجازه نخواهند داد که از مناطق سکونت این قبایل بعنوان تکیه‌گاه برای عملیات خود استفاده کنند.

انتخابات کامپوجیا

پیروزی بزرگ انقلاب و دولت انقلابی

شان‌ون عضو کمیته مرکزی جبهه واحد نجات ملی کامپوجیا در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تاس گفت: نتایج انتخابات اخیر ارکانهای محلی حکومت خلق در کامپوجیا نمودار بارزی از عزم برآست مردم کشور برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است. آشوب شکننده رای دهندگان در این انتخابات شرکت کردند و به نمایندندگان واقعی مردم رای دادند.

موفقیت انتخابات کامپوجیا، نتیجه فعالیت همه‌جانبه مقامات انقلابی است که مدتها بر طرف ساختن عوارض حکومت رژیم جنایتکار و بوسیله هوادار یک است که با نبرد مردم سرنگون‌شد. شان‌ون افزود: که اکنون همه شرایط لازم برای پیشرفت سریع اقتصاد ملی و شرکت فعالانه مردم در همه شئون اجتماعی جمهوری فراهم می‌شود. خطر کمبود خواربار بکلی برطرف شده و امنیت و نظم اجتماعی در کشور تأمین شده است.

میکوشنوبازدن در جیب هرورسم بین‌المللی، به جنبش‌های رهایی بخش خلقها، مانع پیروزی این جنبش‌ها گردیده عمل می‌کنند، مورد تأیید قرار دادند.



آمریکا درصد ایجاد پایگاه نظامی در پاکستان است

دولت آمریکا اعلام کرده است که قصد دارد بر میزان کمک نظامی و اقتصادی خود به پاکستان بیفزاید. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داد که میان دو کشور مذاکراتی به منظور عقد قراردادهای درازمدت نظامی انجام می‌گیرد. کاش سفید در حال حاضر میکوشد کنکره را به تجدیدنظر در قوانین وادارسازد که بموجب آنها کمک نظامی به پاکستان بملت تلاش این کشور در تولید سلاح هسته‌ای منع شده است. دولت ریگان اعلام کرده بود که حاضر است ۵۰۰ میلیون دلار بصورت کمک در اختیار پاکستان قرار دهد. آمریکا میکوشد در قبال این کمک، یک پایگاه نیروی دریایی در خاک این کشور، ایجاد کند.

اتحاد شوروی پشتیبان خلق نامی بیا دومبارزه برای استقلال و آزادی

سام نوجوما، رئیس سازمان خلق جنوب غربی آفریقا، اظهار اطمینان کرد که مین پرستان نامی بیا بر رژیم تزارپرست آفریقا جنوبی، سرانجام پیروز خواهند شد. این مطلب را سام نوجوما در مصاحبه‌ای به مناسبت هفته بین‌المللی همبستگی با ملت‌های مبارز در برابر تمییز نژادی و آپارتاید با وی انجام شده و در مجله فزودگی بین‌المللی، چاپ مسکو، منتشر شده است. اعلام داشت، سام نوجوما در این مصاحبه برای پشتیبانی اتحاد شوروی از مبارزه خلق نامی بیا در راستای آزادی و اهمیت والا قائل شد.

اعلامیه مشترک جبهه آزادی ملی الجزایر و حزب کمونیست اتحاد شوروی

حزب کمونیست اتحاد شوروی و جبهه آزادی ملی الجزایر، تقویت رشته‌های دوستی همکاری میان دو حزب را مورد تأیید قرار دادند. در الجزایر مذاکراتی میان حیات‌های نمایندگی و حزب انجام شد. در پایان این مذاکرات اعلامیه مشترکی صادر شد که در آن گفته می‌شود: حزب کمونیست اتحاد شوروی و جبهه آزادی ملی الجزایر، علیه تلاشهای امپریالیسم و استعمارگر که

اعتراض ملت پاکستان به قانون اساسی ضیاع‌الحق

فادرسان دادگاه عالی پاکستان، در کار سایر اعتراضات ملت پاکستان، به اقدامات ضد خلقی رژیم ضیاع‌الحق اعتراض کردند.

این دادرسان با اعلام مخالفت با قانون اساسی جدید پاکستان، از ادای سوگند خودداری کردند. قانون اساسی جدید ضیاع‌الحق زمینه را برای تقویت ارکان رژیم نظامی وی و امکان سرکوبی هرگونه مخالفت و محدود کردن حقوق دادگاههای غیر نظامی این کشور آماده می‌کند. ضیاع‌الحق در سال ۱۹۷۲ قدرت را در پاکستان بدست گرفت و از آن سال تاکنون روز بروز حقوق بیشتری از ملت پاکستان را پایمال کرده است.

جنایت تازه

نژادپرستان آمریکایی

نژادپرستان آمریکایی در شهر مویل واقع در ایالت آلاباما یک دانشجو ۱۹ ساله سیاه پوست را «لج» کردند. مقامات آمریکایی میکوشند این جنایت فحیح را در برده نگاه دارند، لیکن به سهعت نیازان سبیهوست آمریکا و از جمله خام نشان می‌شود، یکی از فعالان جنبش برابری حقوق سبیهوستان این اقدام ضد انسانی آمریکایی‌های نژادپرست افشا گردید.

نامه هروم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر تهرانی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نشر «هروم»
هنوز در اختیار
نامه «هروم» نیست)

NAMEH
MARDOM
No. 474
29 March 1991

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «هروم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «هروم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴ پستی تهران